

The Relationship between the Educational System and Criminal Justice, Based on the Participation of Imprisoned Fathers in the Educational Process of Their Children (Case Study: Qazvin City Prisons)

Hadi Ramazanian Fahandary*

Assistant Professor of Department Judicial Management, Registration and Judicial Management Faculty, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Mohammad Vazin Karimian

Associate Professor of Department Judicial Management, Registration and Judicial Management Faculty, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Hamed Rasoulkhani

Master's Degree Graduate of Correction and Judicial Sentences, Registration and Judicial Management Faculty, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Abstract

This study investigates the interplay between the education system and the criminal justice system by examining incarcerated fathers' participation in their children's educational processes, drawing on their lived experiences. The research adopts a phenomenological approach, focusing on incarcerated men in Qazvin Province with children in elementary school, alongside the children's mothers and teachers. Data were collected through semi-structured interviews with 11 fathers, 11 mothers, and 11 teachers, and analyzed using Colaizzi's seven-step method.

Findings reveal that incarcerated fathers are eager to engage in their children's education and exhibit a strong positive attitude toward greater involvement. Social learning theory suggests this enthusiasm could model positive educational values for their children. In contrast, schools generally lack tailored policies for these children, despite having frameworks for diverse student needs; only rare exceptions address their unique circumstances. Social response theory indicates that this oversight may inadvertently lead to labeling and inappropriate treatment of these students. Mothers, while realistic in their expectations, are reluctant to support fathers' interactions with their children. Preferential association theory posits that facilitating such engagement could enhance fathers' attitudes and behaviors, reinforce their paternal roles, and boost their children's academic outcomes.

Interviews across all three groups underscore the need to revise criminal justice laws and rethink the goals, structures, and regulations of the education system to better support these families.

Keywords: Education system, criminal justice system, incarcerated fathers, children of incarcerated parents, social learning theory, social reaction theory, preferential association theory.

* **Email:** ramazanian@ujsas.ac.ir (Corresponding Author)



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رابطه میان نظام آموزشی و عدالت کیفری مبتنی بر مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزشی فرزندان (مورد مطالعه زندان‌های شهر قزوین)

هادی رمضانیان فهندری* | استادیار گروه مدیریت قضائی، دانشکده ثبت و مدیریت
قضائی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.
محمدوزین کریمیان | دانشیار گروه مدیریت قضائی، دانشکده ثبت و مدیریت قضائی،
دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.
حامد رسولخانی | دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت اصلاح و کیفرهای قضائی،
دانشکده ثبت و مدیریت قضائی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه نظام آموزش و پرورش و نظام عدالت کیفری از منظر مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزشی فرزندانشان در مدرسه مبتنی بر تجربه زیسته انجام شده است. روش پژوهش روش پدیدارشناسی است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی زندانیان مرد استان قزوین دارای فرزند محصل در مقطع ابتدایی، مادران این فرزندان و همچنین تمامی معلمان مقطع ابتدایی این کودکان بود. برای جمع‌آوری داده‌های مورد نظر با ۱۱ نفر از پدران، ۱۱ نفر از مادران و ۱۱ نفر از معلمان مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از راهبرد هفت مرحله‌ای گلازی به بهره گرفته شد. نتایج به دست آمده نشان داد که پدران زندانی تمایل دارند در آموزش فرزندانشان مشارکت داشته باشند و نگرششان نسبت به افزایش سطح مشارکت بسیار مثبت بود. این امر می‌تواند

از منظر نظریه یادگیری اجتماعی، الگوی مثبتی برای فرزندان ایجاد کند و آن‌ها را به ادامه تحصیل و یادگیری ترغیب سازد. نتایج درخصوص مدارس نشان داد، در حالی که مدارس سیاست‌هایی را برای رفع نیازهای طیف وسیعی از دانش‌آموزان و خانواده‌ها تدوین کرده‌اند، فرزندان پدران زندانی، به استثنای موارد نادر، را مورد غفلت قرار داده‌اند. از منظر نظریه واکنش اجتماعی، این عدم اطلاع مدارس باعث می‌شود که به‌طور ناخواسته به این کودکان برچسب‌هایی زده شود و با آن‌ها رفتاری نامناسب صورت گیرد. درخصوص مادران نتایج نشان داد اگرچه آن‌ها در انتظارات خود واقع‌بین هستند، اما تمایلی به تسهیل مشارکت پدران و تعامل آن‌ها با فرزندان‌شان ندارند؛ از منظر نظریه معاشرت ترجیحی ایجاد فرصت‌هایی برای تعامل پدران زندانی با فرزندان می‌تواند تأثیر مثبتی بر نگرش و رفتار پدر زندانی داشته باشد و ضمن تقویت نقش پدری، به بهبود عملکرد تحصیلی فرزندان منجر شود. نتایج حاصل از مصاحبه با هر سه گروه مورد مطالعه بر بازنگری در قوانین نظام عدالت کیفری و اهداف، ساختارها و قوانین نظام آموزش و پرورش مورد تأکید قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: نظام آموزش و پرورش، نظام عدالت کیفری، پدران زندانی، فرزندان زندانیان، نظریه یادگیری اجتماعی، نظریه واکنش اجتماعی، نظریه معاشرت ترجیحی.

مقدمه

یکی از اساسی‌ترین شاخصه‌های کشورهای توسعه‌یافته، وجود مشارکت بین اعضای جامعه، نهادها و سازمان‌های آن کشورهاست. مشارکت به نوعی وجود احساس وابستگی، علاقه و تلاش گروهی میان اشخاص یک جامعه، جهت تحقق ساختار عادلانه اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین نهادهای توسعه‌بخش مشارکت مدارس هستند که نیاز به همکاری و مشارکت مؤثر همه اعضای جامعه به‌ویژه خانواده‌ها دارند. مشارکت و همکاری مؤثر خانواده‌ها و مدارس همیشه ازجمله موضوعات مورد پژوهش کارشناسان موضوع آموزش بوده است، اما گاهی اوقات نبود شناخت صحیح والدین از هدف‌ها و توانایی‌های مدارس سبب می‌شود که مشارکت میان خانواده‌ها و مدارس به شیوه صحیح شکل نگیرد (گوهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۴). زمانی که صحبت از همکاری والدین با مدارس می‌شود، عده‌ای

تنها به کمک‌های مالی والدین به مدارس فکر می‌کنند. تعامل اولیا تنها به ابعاد مالی محدود نیست، بلکه در سایر زمینه‌ها و مخصوصاً مشارکت در امور آموزشی و پرورشی الزامی است (باقی و موسوی، ۱۳۹۶: ۵۲۰).

کودکان از مشارکت والدین در آموزش خود سود می‌برند و لازم است تا زمان، تلاش و منابع قابل توجهی به توسعه این مشارکت اختصاص داده شود (Goodall & Vorhaus, 2011: 40; Hornby & Lafaele, 2011: 9). فیلر (2010) نیز تأکید می‌کند که موفقیت زندان در توان بخشی زندانیان می‌تواند تحت تأثیر میزان مشارکت در زندگی خانوادگی در طول دوره محکومیت زندان آنان باشد. از نگاه نویسندگان مقاله اگرچه مزایای بازپروری احتمالی مشارکت پدران زندانی در آموزش فرزندان خود در تحقیقات مورد تأیید قرار گرفته است، اما توجه به این موضوع پراهمیت در سیاست کیفری جای تأمل و بحث دارد؛ در این میان کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودک تصریح می‌کند که هر کودکی حق دارد (در صورتی که برای سلامتی یا رفاه او مضر نباشد) با هر دو والدین در ارتباط باشد و از مشارکت آن‌ها در رفاه و آموزش خود برخوردار شود (O'Keeffe, 2013: 19-23).

زندانی شدن والدین از نظر اسکات و کاد (2010) یک مشکل مضاعف، برای آن دسته از کودکانی است که در حال حاضر مشکلات متعدد و طرد اجتماعی را تجربه می‌کنند، این در حالی است که نتایج پژوهش‌های گودال و ورهاوس (2010) و هریس و گودال (2008) بر مشارکت والدین به عنوان یک عامل مهم در آموزش موفق کودک تأکید کرده‌اند. آن‌ها تبیین کرده‌اند که جدایی والدین از فرزندان پیامدهای عمیقی هم برای والدین و هم برای فرزند خواهد داشت و در واقع تماس خانوادگی یک نیروی مثبت عمده در روند توان بخشی و رفاه فرزندان زندانیان خواهد بود. با این وصف، مشارکت والدین در قالب «والدین مؤثر در خانه» حتی پس از اینکه همه عوامل دیگر شکل دهنده پیشرفت از معادله موفقیت تحصیلی کودکان خارج شده باشند، تأثیر مثبتی بر پیشرفت و سازگاری کودکان در محدوده سنی ابتدایی دارد (Desforjes & Abouchaar, 2003: 4).

این مسئله را می‌توان از دیدگاه جرم‌شناسی نیز مورد بررسی قرار داد. در میان نظریه‌های مختلف جرم‌شناسی، سه نظریه به موضوع فرزندان والدین زندانی ارتباط بیشتری دارند که عبارت‌اند از: نظریه یادگیری اجتماعی^۱ (تقلید^۲)، نظریه واکنش اجتماعی^۳ (برچسب‌زنی^۴) و نظریه معاشرت ترجیحی^۵ (هم‌نشینی افتراقی). این نظریه‌ها می‌توانند به درک بهتر پیامدهای داشتن والد زندانی بر کودکان کمک کنند.

نظریه یادگیری اجتماعی (تقلید) بیان می‌کند که رفتارهای مجرمانه از طریق یادگیری و الگوبرداری از دیگران شکل می‌گیرند و انسان در حال رشد از دیگران برای قضاوت کردن و شکل دادن به انتظارات خود از خویشان و جهان اطراف استفاده می‌کند، این امر به‌ویژه در میان اعضای خانواده که ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، مشهود است. میزان تأثیرگذاری این تقلید به نزدیکی رابطه بین فرد الگوگیرنده و الگودهنده و به عبارتی قدرت و منزلت الگو بستگی دارد (ملکوتی و محسنی، ۱۴۰۲: ۲۱۱). این نظریه که توسط گابریل تارد^۶ مطرح شده است، بیان می‌کند که رفتارهای مجرمانه از طریق مشاهده و تقلید آموخته می‌شوند. درمورد کودکان با والدین زندانی، این نظریه می‌گوید که این کودکان ممکن است رفتارهای مجرمانه را از والدین خود یاد بگیرند و تقلید کنند و آن‌ها ممکن است حتی این رفتارها را به‌عنوان هنجار در نظر بگیرند درواقع، رشد در چنین محیطی می‌تواند باعث شود که ارزش‌ها برای این کودکان به شکلی وارونه جلوه کنند (غیوری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷۹).

نظریه واکنش اجتماعی (برچسب‌زنی) بر این باور است که وقتی فردی عملی مجرمانه انجام می‌دهد، جامعه او را به‌عنوان مجرم می‌شناسد. به مرور زمان، این برچسب بر تصویری که فرد از خود دارد تأثیر می‌گذارد و هویت غیرمجرمانه او را تضعیف می‌کند. درنتیجه، احتمال اینکه فرد دوباره دست به اعمال مجرمانه بزند، افزایش می‌یابد (شاهپوری و

-
1. social learning theory
 2. imitation
 3. social reaction theory
 4. labeling
 5. differential association theory
 6. gabriel tard

همکاران، ۱۳۹۹: ۲۷۹). این نظریه توسط هوارد بکر^۱ مطرح شده است و بر تأثیر برچسب‌های اجتماعی بر رفتار افراد تمرکز دارد. برای کودکان والدین زندانی، این نظریه نشان می‌دهد که جامعه ممکن است به آن‌ها برچسب «بالقوه مجرم» بزند، که می‌تواند به رفتارهای منفی و حتی جرم واقعی منجر شود. این برچسب‌ها می‌توانند بر خودپنداره کودک و انتخاب‌های آینده او تأثیر بگذارند.

نظریه معاشرت ترجیحی (هم‌نشینی افتراقی) بر تأثیر محیط نابسامان اجتماعی در گرایش به جرم تأکید دارد. درمورد فرزندان زندانیان، می‌توان گفت که این کودکان به دلیل نداشتن محیط امن خانوادگی، ممکن است از سوی خویشاوندان طرد و جذب افراد کجرو و گروه‌های بزهکار شوند. این گروه‌ها با تأثیرگذاری بر شخصیت و اعتماد به نفس کودکان، آن‌ها را به سمت ارتکاب جرم سوق می‌دهند یا از آن‌ها به عنوان ابزاری برای جرمی مانند قاچاق مواد مخدر و سرقت استفاده می‌کنند. این نظریه که توسط ادوین ساترلند^۲ ارائه شده است، بیان می‌کند که رفتار مجرمانه از طریق تعامل با دیگران، به ویژه در گروه‌های نزدیک مانند خانواده و دوستان، آموخته می‌شود. برای کودکان با والدین زندانی، این نظریه نشان می‌دهد که آن‌ها ممکن است در معرض یادگیری نگرش‌ها و رفتارهای مجرمانه از والدین یا محیط اطرافشان قرار گیرند (غیوری‌نیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۰-۱۸۴).

هر سه نظریه بر اهمیت محیط اجتماعی و یادگیری در شکل‌گیری رفتار تأکید دارند. آن‌ها نشان می‌دهند که کودکان با والد زندانی ممکن است در معرض خطر بیشتری برای درگیر شدن در رفتارهای مجرمانه باشند، اما این به معنای قطعیت چنین نتیجه‌ای نیست. درک این نظریه‌ها می‌تواند به طراحی برنامه‌های مداخله‌ای و حمایتی مؤثر برای این کودکان کمک کند.

هدف اصلی این مقاله بررسی برخی از مسائل تربیتی ناشی از زندانی شدن پدران کودکان دبستانی است. ضرورت پرداختن به این موضوع ناشی از سه گزاره قابل توجه است. اول اینکه کنوانسیون حقوق کودک سازمان ملل متحد، ۱۹۸۹ حق مشارکت هر دو

1. Howard Becker
2. Edwin Sutherland

والدین در تربیت و آموزش کودکان را برای آن‌ها مورد تأکید قرار داده است؛ دوم اینکه مشارکت فعال هر دو والدین در تربیت کودکان، شانس پیشرفت تحصیلی و موفقیت اجتماعی کودکان را افزایش خواهد داد؛ و سوم اینکه پیامدهای آموزشی جدایی پدران در حبس برای افزایش بالقوه پیشرفت تحصیلی و موفقیت اجتماعی کودکان تا حد زیادی مورد غفلت قرار گرفته است. این مقاله بر آن است تا تضاد بین ادعاهای مطرح شده برای «حقوق کودک» که در سیاست آموزشی منعکس شده است و واقعیت عینی را که برای بسیاری از کودکان درگیر با آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دلیل ازدست دادن پدر از طریق زندانی شدن اتفاق می‌افتد و در پژوهش‌های پیشینی انجام شده مورد غفلت قرار گرفته است برجسته کند. مطالعه حاضر استدلال می‌کند که کودکان دبستانی حق مشارکت پدر زندانی خود را در آموزش و رفاه شخصی‌شان دارند، در حالی که به این موضوع نیز توجه دارد که در برخی از موارد، این مشارکت از ایمنی برخوردار نخواهد بود. در همین راستا به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر است:

۱. چه رابطه‌ای میان سیستم آموزش و پرورش و سیستم عدالت کیفری از منظر مشارکت والدین زندانی در فرایند آموزشی فرزندانشان در مدرسه وجود دارد.
۲. ادارک والدین زندانی از مشارکت در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان چگونه است؟
۳. ادارک مادران کودکان دارای پدران زندانی از مشارکت پدر در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان چگونه است؟
۴. ادارک اولیای مدرسه از مشارکت والدین زندانی در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان چگونه است؟

۱. مبانی نظری

خانواده اساسی‌ترین نقش را در شکل‌گیری شخصیت و رفتار کودک دارد؛ در محیط گرم و دوستانه خانواده‌ای که در آن والدین و دیگر اعضای خانواده، روابط صمیمانه و دوستانه دارند، معمولاً کودکانی سالم، با شخصیت مثبت و فعال تربیت می‌شوند که نشانه‌ای از عشق

و علاقه‌ای است که در خانواده وجود دارد، و بلعکس، خانواده از هم‌پاشیده و زندگی در محیط‌های آلوده و انحرافی، مراقبت دقیق نکردن خانواده و بی‌توجهی والدین در امر تعلیم و تربیت فرزندان، پایه‌های انحراف از هنجارها را در همان کودکی بنا می‌نهد که همین موضوع در نوجوانی با شدت بیشتری خود را نشان می‌دهد (شیردل و محمدی، ۱۳۹۹: ۴۴). همچنین محیط خانواده یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین کانون‌های هویت‌یابی محسوب می‌شود. بسیاری از روان‌شناسان معتقدند خمیرمایه اصلی شخصیت متعادل یا متزلزل و آسیب‌پذیر کودکان و نوجوانان در کانون خانواده و در سایه تعامل مطلوب با والدین شکل می‌گیرد (افروز، ۱۳۸۳: ۵۹). در شکل گرفتن شخصیت فرزندان، تماس و ارتباط والدین با فرزندان خود اهمیت بسیار زیادی دارد و البته مواردی هم وجود دارد که ممکن است اثر والدین منفی باشد (محمدی فرود، ۱۳۸۴: ۲۰). از سویی خانواده بر نتایج یادگیری دانش‌آموزان، به‌وسیله نهادهای نهادینه کردن جایگاه تعلیم و تربیت، تأثیری شگرف داشته و اولیا بر نتایج آموزشی دانش‌آموزان با تقویت یادگیری مرتبط با مدرسه اثر می‌گذارند (شهری و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸۸).

نظر به اینکه برخورداری از آموزش به بهترین وجه حق همه دانش‌آموزان است و این امر مستلزم همکاری والدین با مدارس است. لذا باید توجه داشت که حبس والدین نباید تأثیری در کیفیت آموزش فرزندان داشته باشد. این حق در اصل ۳۰ قانون اساسی، قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ (ماده ۱) و قانون حمایت از اطفال مصوب ۱۳۹۹ (مواد ۳، ۵ و ۶) مورد تأکید قرار گرفته است. از سویی در حقوق امروزی، اصل شخصی بودن مجازات‌ها از اصول اساسی در حقوق جزاست و بر این پایه تنها مرتکب و شرکا و معاونان او دارای مسئولیت کیفری هستند و نتایج سوءرفتار آن‌ها فقط متوجه خودشان است و اعضای خانواده و بستگانشان به‌خصوص فرزندان آن‌ها به هیچ وجه دارای مسئولیت کیفری نیستند و نمی‌توان آن‌ها را مورد بازخواست قرار داد و یا آثار مجازات مرتکب را بر آنان بار کرد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در ماده ۹ این قاعده را وضع کرده است «که هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد...». لازمه امنیت شخصی این است که افراد

تنها خودشان مسئول رفتار خود باشند و فردی را نباید به علت جرم دیگری مورد تعقیب و مجازات قرار داد. گفتنی است که این قاعده حقوقی تحت عنوان قاعده ورز نیز از چهارده قرن پیش تاکنون در نظام کیفری اسلام لازم‌الاجراست.

با تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹ حمایت از اطفال در معرض آسیب وارد مرحله‌ای جدید شد. مطابق این قانون تمامی افراد زیر هجده سال شمس‌ی تحت حمایت‌های این قانون هستند. بند پ ماده ۳ این قانون تصریح کرده است که زندانی شدن هر یک از والدین، اولیا یا سرپرستان قانونی یکی از وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای کودکان محسوب شده و سبب مداخله و حمایت قانونی از کودک می‌شود. همچنین ردیف ۳ از بند پ ذیل ماده ۶ این قانون سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف کرده است که اطفال و نوجوانانی را که پدر یا مادر یا سرپرست قانونی آنان در زندان به سر می‌برند، به سازمان بهزیستی کشور معرفی کرده تا برابر مقررات، طفل یا نوجوان نیازمند را حمایت کند. نیز در بند چ ماده مذکور وزارت آموزش و پرورش را مکلف کرده است تا نسبت به آموزش مدیران و کارکنان آموزشی و اداری در زمینه حقوق اطفال و نوجوانان برنامه‌هایی را طراحی و اجرا کند. همچنین پیش از تصویب این قانون، قانون‌گذار به واسطه تصویب قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی در سال ۱۳۵۳، حق تحصیل تمامی اطفال و نوجوان واجد شرایط را به رسمیت شناخته بود.

ازجمله آثار حبس والدین بر فرزندان، محروم شدن آنها از حضور والدین در فرایندهای آموزشی‌شان است. با توجه به آیه شریفه «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»^۱ که سه مرتبه در قرآن تکرار شده است، می‌بایست تمام آثار مجازات متوجه شخص مرتکب باشد، لذا نباید اثری از حبس والدین به فرزندان آنها وارد شود. بنابراین نتیجه می‌شود که فرزندان پدران زندانی این حق مسلم را دارند که از حضور پدران خود در آموزش خویش استفاده کنند و این امر مستلزم لوازمی است که مهم‌ترین این لوازم همکاری نظام آموزشی و نظام عدالت کیفری است.

۲. پیشینه پژوهش

میرکمالی و مهدوی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی خطر گرایش به بزهکاری در فرزندان دارای والد زندانی با تأکید بر اختلال در کارکرد جامعه‌پذیری خانواده پرداخته‌اند. روش پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر رویکرد کمی است که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نمونه پژوهش حاضر خانواده زندانیان زندان اوین تهران بودند و داده‌های پژوهش به روش میدانی و با استفاده از پرسش‌نامه بسته گردآوری شده است. یافته‌ها نشان داد که بیش از ۸۰ درصد از فرزندان زندانیان، رفتار مجرمانه والد زندانی خویش را تأیید کردند و آن را قبیح نمی‌دانند و حتی دولت و جامعه را مقصر اصلی ارتکاب جرم توسط والدین خویش قلمداد می‌کنند. همچنین درصد قابل توجهی از نمونه آماری پژوهش الگوی مناسب و شایسته‌ای در اختیار ندارند تا در نبود پدر یا مادر بتوانند ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را فرا گیرند. زندانی شدن والدین به‌طور مستقیم کارکرد جامعه‌پذیری خانواده را دچار اختلال می‌کند. نقض هنجارهای اجتماعی توسط والدین موجب الگوپذیری ناهم‌نوایی در فرزندان شده و به جامعه‌پذیری منفی اطفال و نوجوانان منجر می‌شود. به این ترتیب و با توجه به نتایج حاصل از پژوهش میدانی، زندانی شدن والدین با اختلال در کارکرد جامعه‌پذیری خانواده، خطر گرایش به بزهکاری را در فرزندان زندانیان افزایش می‌دهد.

حسین‌آبادی و سلیمی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر مشارکت اولیا بر کیفیت آموزشی از طریق بهسازی مدارس ابتدایی پرداخته‌اند. یافته‌های مطالعه آن‌ها نشان می‌دهد که مشارکت اولیا بر بهسازی مدرسه و کیفیت آموزشی و بهسازی مدرسه بر کیفیت آموزشی اثر مستقیم دارد و همچنین مشارکت اولیا از طریق بهسازی به‌صورت غیرمستقیم بر کیفیت آموزشی مدارس اثرگذار است. ابراهیمی و میرزایی (۱۳۹۸) نیز در مطالعه‌ای به بررسی حقوق ارتباطی زندانیان در حقوق جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند. آن‌ها به حقوق ارتباطی زندانیان از جمله حق ارتباط با خارج، ارتباط با اشخاص، ارتباط با وکیل، ارتباط با خانواده، ارتباط با دوستان پرداختند و تبیین می‌کنند که زندان را نباید مانند یک هتل برای زندانی قرار دهیم، چون در این صورت زندان از هدف اصلی خود که

بازدارندگی است باز می‌ماند. با این حال آن‌ها ذکر می‌کنند که نباید ناعادلانه، بیش از حد و غیرمنصفانه بر زندانی، فشار تحمیل شود. در پژوهشی دیگر که توسط ادیب و مردان اربط (۱۳۹۶) با عنوان تجارب والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندان انجام شده است نتایج نشان داد که مهم‌ترین دلایل مشارکت و انگیزه والدین کمک به بهبود آینده تحصیلی و شغلی و همچنین دانا و توانا بار آوردن فرزندان، است و به همین خاطر والدین وقت بیشتری را برای رسیدگی به تکالیف فرزندان صرف می‌کنند.

باقی و موسوی (۱۳۹۶) به بررسی پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان پرداخته‌اند. روش تحقیق فراتحلیل کیفی است و در آن از مشاهده مشارکتی برای صورت‌بندی استنتاج‌های جامعه‌شناختی جدید بهره گرفته شده است. براساس داده‌ها مجموعه پیامدهای زندان عبارت‌اند از: ۱. فردی و شخصیتی؛ ۲. اجتماعی؛ ۳. اقتصادی؛ ۴. فرهنگی؛ ۵. سیاسی. یکی از مسائل مهم، رابطه نوع جرم و مدت محکومیت زندانی با انسجام خانواده است. وضعیت خانواده محکومان مواد مخدر و خانواده محکومان به قتل، شرارت، سرقت، جرائم مالی و ... با هم متفاوت است. در پژوهش حاضر پنج راهکار مؤثر ارائه و تشریح شده است که عبارت‌اند از: ۱. تعیین مدل کیفری، ۲. انسانی‌تر کردن شرایط زندان با توجه به تأثیرات محیط فیزیکی بر روان و اخلاق فرد، ۳. زندان باز، ۴. روش‌های جایگزین زندان، ۵. ضرورت حضور نهادهای مدنی و حمایتگر.

گوهری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهش خود به بررسی وضعیت موانع موجود بر سر راه مشارکت اولیا در امور مدارس مقطع ابتدایی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که موانعی همچون «عدم شناخت اولیا از اهداف و کارکردهای مدرسه»، «کمبود وقت والدین، شاغل بودن، فاصله و درگیر بودن با کارهای روزمره»، «وضعیت نامناسب اقتصادی خانواده‌ها» و ... از جمله موانع عدم مشارکت والدین در امر آموزش فرزندان خود است. در پژوهش دیگری معروفی (۱۳۸۹) به پیامدهای زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان پرداخته است. او برای رسیدن به هدف خود، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای اولیای زندانی (پدر یا مادر) در قبل از زندانی شدن و بعد از گذشت شش ماه از زندانی شدن مورد مقایسه قرار داده است. مطابق با یافته‌های مطالعه معروفی بیشترین و

کم‌ترین عملکرد تحصیلی به ترتیب در قبل و بعد از دستگیری به دانش‌آموزان دوره ابتدایی و متوسطه تعلق دارد. میانگین عملکرد تحصیلی دختران چه قبل و چه بعد از دستگیری والدینشان بیشتر از پسران است. با وجود این، پس از زندانی شدن والدین میانگین عملکرد تحصیلی دختران بیشتر از پسران دچار کاهش شده است. در بین دو جنس نیز در هر سه دوره پایین‌ترین عملکرد تحصیلی به پسران دوره متوسطه تعلق دارد. اوکیف (2015) در پژوهشی با عنوان چالش‌های مشارکت پدران زندانی در آموزش فرزندان‌شان تبیین کرده است که نقش پدری در حال توسعه است و انتظارات اجتماعی ما از نقش و مسئولیت‌های پدران به سرعت در جهت مشارکتی حرکت می‌کند. مدارس در حالی که سیاست‌هایی را برای رفع نیازهای طیف وسیعی از دانش‌آموزان و خانواده‌ها تدوین کرده‌اند، فرزندان پدران زندانی، به استثنای موارد نادر، مورد غفلت قرار می‌گیرند. مادران در هر سیاستی که در جهت مشارکت پدران زندانی باشد، نقشی اساسی دارند و پدران زندانی در نگرش خود نسبت به چشم‌انداز افزایش سطح مشارکت بسیار مثبت بودند. در پژوهشی دیگر شوپلیجکا (2017) به بررسی مهدکودک‌ها و مدارس به عنوان محل حمایت از کودکی که والدینش در زندان هستند پرداخته است. وی تبیین می‌کند که در حال حاضر در اکثریت قریب به اتفاق موارد، فقط کنجکاوی معلمان است که آن‌ها را در تصمیم‌گیری درمورد اینکه چه زمانی مداخله کنند یا به کودک نشان دهند که در کنار آن‌ها هستند کمک می‌کند. برای لحظه‌ای نباید دیدگاه یک بزرگسال درمورد اینکه کودک چگونه باید رفتار کند بر منافع کودک اولویت داشته باشد و هیچ بخشی از زندگی کودک نباید به نفع اولویت‌ها یا اهداف بزرگسال به خطر بیفتد. این امر مستلزم آمادگی بزرگسالان برای تغییر دیدگاه‌ها، اهداف، استراتژی‌ها و انتظارات خود مطابق با بهترین علایق و توانایی‌های کودک است و نیازمند مهارت‌هایی برای ایجاد روابط با کودک و اقدامی است که رشد سالم کودک را در شرایط چالش‌برانگیز نظیر زندانی بودن والدین تقویت می‌کند. پلتیر (2017) در پژوهشی با عنوان والدین زندانی و فرزندان‌شان در مدرسه: پروژه آزمایشی در زندان شاتودون فرانسه به این نتیجه رسید که رویکرد چندرشته‌ای جمعی برای تقویت رابطه بین والدین زندانی و فرزندان دارای اهمیت است و مجموعه‌ای از مزایای مثبت در چنین ابتکاری بر خانواده

به عنوان یک کل تأثیر می‌گذارد. با وجود اختلالات معمول، می‌توان تأثیر مثبت این ابتکار را بر کودک از نظر کاهش استرس در مدرسه و کمک به بازگرداندن پیوندها با والدین زندانی که به ناچار با زندانی شدن والدین ضعیف شده است، فرض کرد.

مطالعه منابع و پیشینه تحقیقات نشان داد که در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی با رویکردهای روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مددکاری اجتماعی به بررسی جنبه‌های پیچیده و پنهان زندگی کودکان و نوجوانان و اهمیت مشارکت والدین در روند آموزش و تحصیل آن‌ها پرداخته‌اند. برخی تحقیقات نیز تأثیر زندانی بودن والدین بر تحصیل فرزندان را مورد بررسی قرار داده‌اند. اما وجه تمایز این پژوهش از مطالعات پیشین، انجام تحقیق کیفی و مطالعه پدیدارشناختی در باب فهم تجربیات زیسته پدران زندانی، مادران و معلمان در زمینه مشارکت در فرایند آموزشی فرزندان و تأکید بر ضرورت همکاری میان نظام عدالت کیفری و نظام آموزش و پرورش است. هدف این همکاری، افزایش مشارکت والدین در فرایند آموزشی و تحصیلی فرزندان و فراهم کردن شرایط لازم برای بهره‌مندی فرزندان آن‌ها از این حق است.

۳. روش تحقیق

روش این تحقیق از نظر نوع داده‌ها در زمره روش‌های کیفی قرار دارد و همچنین تحقیق از حیث هدف از نوع تحقیقات کاربردی است. جامعه آماری این مطالعه شامل تمامی زندانیان مرد استان قزوین دارای فرزندان محصل در مقطع ابتدایی، مادران این فرزندان و همچنین تمامی معلمان مقطع ابتدایی این کودکان بودند. با توجه به اعلام مسئولان قضائی استان قزوین در زمان انجام تحقیق تعداد محکومان حاضر به خواب در زندان مرکزی استان قزوین حدود ۱۲۷۱ نفر بودند. همچنین مطابق با آخرین آمارهای موجود حدود ۵۴۰۰ معلم، آموزش‌دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهرستان قزوین را عهده‌دار هستند. این پژوهش در بازه زمانی تیرماه ۱۴۰۰ تا خردادماه ۱۴۰۱ انجام شده است.

به منظور انتخاب افراد نمونه از رویکرد نمونه‌گیری هدفمند و روش نمونه‌گیری همگون استفاده شد. در این روش از افرادی استفاده می‌شود که به گروه خاصی با ویژگی‌هایی

مشابه متعلق هستند. مصاحبه‌ها درخصوص پدران تا سطح اشباع نظری (مصاحبه با ۱۱ نفر) پیش رفت و درخصوص مادران نیز درمورد هشتم و نهم اشباع نظری حاصل شد، اما با توجه به تعداد مصاحبه‌های انجام‌شده با پدران تعداد مصاحبه‌های مادران نیز تا نفر یازدهم ادامه یافت. درخصوص معلمان مصاحبه با ۱۱ نفر و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. با توجه به اینکه تمامی مصاحبه‌ها توسط یک نفر (شخص محقق) و بدون حضور هیچ دستیار و همکاری انجام شده است، لذا نوع و ترتیب سؤالات، نحوه بیان سؤالات، روش ثبت و ضبط اطلاعات، روش استخراج و تفسیر اطلاعات؛ دارای ثبات رویه و متحدالشکل و محتوا بوده و از این لحاظ دارای اعتبار است.

۴. یافته‌های پژوهش

گردآوری داده‌ها به وسیله مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساختاریافته هدایت شد. در اجرای هر مصاحبه تلاش شد تا داده‌ها به صورت اکتشافی و مستقل به دست آید و در تحلیل آن‌ها از چارچوب مشخص یا قضاوت قبلی استفاده نشد. مجموعاً با ۱۱ نفر از پدران، ۱۱ نفر از مادران و ۱۱ نفر از معلمان مصاحبه انجام شد و داده‌ها با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کلازی مورد تحلیل قرار گرفت.

۱) ادراک پدران زندانی از مشارکت در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان چگونه است؟

پس از انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها عبارات و تعبیری که پدران درخصوص ادراکشان از مشارکت در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان ارائه کرده بودند استخراج شد. در جدول ۱، نمونه‌هایی از عبارات و تعبیر شرکت‌کنندگان آمده است:

جدول ۱: نمونه عبارات و تعابیر پدران شرکت‌کننده در خصوص ادراکشان از مشارکت در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان

عبارات و تعابیر	شرکت‌کننده
همه کارها را با هم انجام می‌دادیم. فقط ما سه نفر بودیم، بنابراین تمام کارهایی را که خانواده‌ها انجام می‌دهند با هم انجام می‌دادیم. با هم بازی کردیم، می‌رفتیم خرید، تلویزیون تماشا می‌کردیم.	۱
من یک پدر واقعی بودم. ما همه چیز را با هم به عنوان یک خانواده انجام می‌دادیم، همانطور که شما انجام می‌دهید. ما هنوز هم به عنوان یک خانواده کارها را انجام می‌دهیم.	۴
من قبلاً همه کارها را انجام می‌دادم. با آنها بازی کردم، آنها را به تفریح بردم، هر کاری همسر به من می‌گفت انجام می‌دادم.	۷
با چهار بچه درگیر همه چیز بودم. همسرم کار می‌کرد و من بیکار بودم و همه کارهای مربوط به بچه‌ها را انجام می‌دادم. من نمی‌توانستم کاری پیدا کنم چون قبلاً هم زندان بودم و هیچ کس مرا نمی‌خواست. ما به خاطر پول گیر کردیم و من دوباره به زندان برگشتم.	۹
راستش را بگویم، آنقدر که دوست داشتم درگیر نبودم. من با همسرم در یک خانه زندگی می‌کردیم، اما همیشه بیرون بودم و کارهایی را انجام می‌دادم، بنابراین آنطور که باید آنجا نبودم.	۶
من یک پدر درست و حسابی بودم. آنها را به مدرسه می‌بردم و برمی‌گرداندم. تکالیف را انجام می‌دادم و معلم را می‌دیدم. من کسی بودم که همیشه با معلم صحبت می‌کردم.	۳
من بچه‌ها را به مدرسه می‌بردم و به خانه می‌آوردم. من کمک می‌کردم که هر تکلیفی که داشتند انجام دهند.	۱۰
همسرم همه کارها را می‌کرد و بچه‌ها را به مدرسه می‌برد و می‌آورد. او با معلم‌ها صحبت می‌کرد و اجازه نمی‌داد من به مدرسه نزدیک شوم. فکر کنید او واقعاً چقدر خجالت‌زده است.	۱۱

در بررسی این سؤال پژوهش، پژوهشگر به دنبال یافتن علائم و نشانه‌هایی بود که به وسیله آنها بتوان ادراک پدران از مشارکتشان در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان را تشخیص داد. تحلیل مصاحبه‌های پدران زندانی شرکت‌کننده به شناسایی ۴ مضمون

مشارکت کلی قبل از زندان، مشارکت پیش از زندان در آموزش، مشارکت در تعلیم و تربیت فرزندان و هویت پدرانه، ۸ زیرمضمون و همچنین ۳۰ نشانگر منتج شد. در مضمون مشارکت کلی قبل از زندان، ۲ زیرمضمون شناسایی شده است: تعامل جمعی خانواده و حفظ انسجام خانواده، در مضمون مشارکت پیش از زندان در آموزش، ۲ زیرمضمون تعامل با مدرسه و حمایت تحصیلی فرزندان، در مضمون مشارکت در تعلیم و تربیت فرزندان، ۲ زیرمضمون ضرورت آگاهی از امور مدرسه و تمایل فرزندان به مشارکت پدر و در مضمون هویت پدرانه، ۲ زیرمضمون ایفای نقش پدرانه و تمایل به پدر خوب بودن قرار گرفته‌اند. در ادامه و در جدول ۲، نشانگرها، زیرمضمون‌ها و مضمون‌ها که به موضوع مورد بررسی ارتباط دارد آورده شده است.

جدول ۲: مضمون، زیرمضمون و نشانگرهای حاصل از کدگذاری (سؤال اول)

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
مشارکت کلی قبل از زندان	تعامل جمعی خانواده	- همه کارها را با هم انجام می‌دادیم. فقط ما سه نفر بودیم، بنابراین تمام کارهایی را که خانواده‌ها انجام می‌دهند با هم انجام می‌دادیم. با هم بازی کردیم، می‌رفتیم خرید، تلویزیون تماشا می‌کردیم. - راستش را بگویم، آنقدر که دوست داشتم درگیر نبودم. من با همسر در یک خانه زندگی می‌کردم، اما همیشه بیرون بودم و کارهایی را انجام می‌دادم، بنابراین آنطور که باید آنجا نبودم.
	حفظ انسجام خانواده	- من یک پدر واقعی بودم. ما همه چیز را با هم به عنوان یک خانواده انجام می‌دادیم، همانطور که شما انجام می‌دهید. ما هنوز هم به عنوان یک خانواده کارها را انجام می‌دهیم. - من قبلاً همه کارها را انجام می‌دادم. با آنها بازی کردم، آنها را به تفریح بردم، هر کاری همسر به من می‌گفت انجام می‌دادم. - با چهار بچه درگیر همه چیز بودم. همسر کار می‌کرد و من بیکار بودم و همه کارهای مربوط به بچه‌ها را انجام می‌دادم. من نمی‌توانستم کاری پیدا کنم چون قبلاً هم زندان بودم و هیچ کس مرا نمی‌خواست. ما به خاطر پول گیر کردیم و من دوباره به زندان برگشتم.

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
مشارکت پیش از زندان در آموزش	تعامل با مدرسه	- من یک پدر عملی درست و حسابی بودم. آن‌ها را به مدرسه بردم و برمی‌گرداندم. تکالیف را انجام می‌دادم و معلم را می‌دیدم. من کسی بودم که همیشه با معلم صحبت می‌کردم. - همسر من کارها را می‌کرد و بچه‌ها را به مدرسه می‌برد و می‌آورد. او با معلم‌ها صحبت می‌کرد و اجازه نمی‌داد من به مدرسه نزدیک شوم. فکر کنید او واقعاً چقدر خجالت‌زده است
	حمایت تحصیلی فرزندان	- من بچه‌ها را به مدرسه می‌بردم و به خانه می‌آوردم. من کمک می‌کردم که هر تکلیفی که داشتند انجام دهند. - از نظر تکالیف و این چیزها کار زیادی انجام ندادم. - وقتی من وارد زندان شدم، دخترم هنوز به مدرسه نمی‌رفت، بنابراین هیچ کاری برای تحصیل او وجود نداشت که من انجام بدهم. - وقتی من به زندان افتادم دخترم تازه به دنیا آمده بود.
مشارکت در تعلیم و تربیت فرزندان	ضرورت آگاهی از امور مدرسه	- من هر کاری از دستم بر می‌آید انجام می‌دهم. - او به من می‌گوید که چه چیزی می‌خواهد، اما وقتی برای ملاقات می‌آید چیزهای زیادی برای صحبت کردن وجود دارد و همه‌اش نمی‌تواند درمورد مدرسه صحبت کند. - تنها چیزی که من درمورد نحوه عملکرد او در مدرسه می‌دانم چیزهایی است که از مادرش می‌پرسم و از این بابت خوشحال نیستم.
	تمایل فرزندان به مشارکت پدر	- فکر نمی‌کنم، او بیشتر اوقات کل داستان را به من نمی‌گوید. او فقط آنچه را که فکر می‌کند می‌خواهم بشنوم به من می‌گوید و این خوب نیست، من باید بدانم او در مدرسه چه کار می‌کند. - دخترم مدرسه را دوست ندارد، بنابراین چیز زیادی هم به من نمی‌گوید، فقط می‌گوید که خوب است و به هیچ مشکلی ندارد. - بچه‌ها درمورد مدرسه صحبت نمی‌کنند و دوست ندارند من درمورد آن بپرسم، آن‌ها می‌گویند چیزی برای گفتن وجود ندارد. گاهی اوقات آن‌ها به من می‌گویند که در مدرسه چه کار کرده‌اند، اما نه زیاد. وقتی برای ملاقات می‌آیند درمورد مدرسه صحبت نمی‌کنند. - او وقتی به ملاقات می‌آید درمورد مدرسه صحبت نمی‌کند. من واقعاً او را تحت فشار قرار می‌دهم، اما او هرگز چیز زیادی نمی‌گوید.

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
		- بچه‌ها دوست ندارند درمورد مدرسه صحبت کنند و برای آن‌ها خسته کننده است که با من در این مورد صحبت می‌کنند.
هویت پدرانه	ایفای نقش پدرانه	- من از زمانی که در زندان هستم چیزهای زیادی را از دست داده‌ام، مثل اولین روز مدرسه و کارهایی که او در این روز انجام می‌دهد و دوستانی که دارد. - من پدر او هستم، بنابراین مطمئناً باید بدانم چه اتفاقی برای او می‌افتد و چگونه مدرسه‌اش پیش می‌رود. - من باید بدانم که او چه کار می‌کند و باید بتوانم به او کمک کنم و کاری را که پدران دیگر انجام می‌دهند برایش انجام دهم. - من فقط می‌خواهم پدر او باشم و تمام کارهایی را که پدران بچه‌های دیگر انجام می‌دهند برای او انجام دهم. - من یک پدر هستم و درواقع حق دارم درمورد آن‌ها و نحوه عملکردشان در مدرسه چیزهایی را بدانم.
	تمایل به پدر خوب بودن	- دیدن آن‌ها برای من خیلی فرق دارد. احساس می‌کنم دوباره یک پدر مفید هستم نه اینکه فقط کسی که آن طرف تلفن است. - من سعی می‌کنم به آن‌ها نشان دهم که می‌توانم پدر خوبی برایشان باشم و آن‌ها می‌توانند به من به عنوان یک پدر اعتماد کنند. - دیدن او به من یادآوری می‌کند که باید خوب باشم. دلم می‌خواهد زودتر بیرون بروم و با او باشم و یک پدر مناسب باشم. - اگرچه من او را نمی‌بینم، اما من پدر او هستم و می‌خواهم سعی کنم بهترین پدری که می‌توانم برای او باشم. - من باید احساس پدر بودن داشته باشم و آن‌ها باید ببینند که من پدرشان هستم.

مضامین اصلی شناسایی شده از تحلیل انجام شده در ارتباط با این پرسش عبارت‌اند از:

۱. مشارکت کلی قبل از زندان

این مؤلفه به عنوان سطوح مشارکت هر زندانی در زندگی گسترده‌تر (غیرآموزشی) فرزند/فرزندانش قبل از ورود به زندان (به استثنای مشارکت در آموزش آن‌ها) تعریف می‌شود.

برای برخی، مشارکت از پوشیدن لباس مدرسه در صبح تا خواباندن آن‌ها در شب متغیر است. برای برخی دیگر، رسیدگی به امور فرزندان با دورکاری یا ساعات طولانی کار محدود می‌شد.

۲. مشارکت پیش از زندان در آموزش

این مؤلفه به عنوان میزان مشارکت این گروه از پدران در آموزش فرزندان خود قبل از زندان و درک آن‌ها از اصطلاح مشارکت آموزشی تعریف می‌شود.

۳. مشارکت در تعلیم و تربیت فرزندان

این مؤلفه به این معناست که هر پدر زندانی چقدر در آموزش فرزند خود نقش داشته است.

۴. هویت پدرانه

این مؤلفه به عنوان چالش‌هایی که پدران زندانی برای حفظ هویت خود به عنوان پدر در محیط زندان تجربه می‌کنند، تعریف می‌شود.

۲) ادراک مادران کودکان دارای پدر زندانی از مشارکت پدر در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندان‌شان چگونه است؟

پس از انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آن‌ها عبارات و تعابیری که مادران شرکت‌کننده در خصوص ادراکشان از مشارکت پدر در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندان‌شان ارائه کرده بودند استخراج شد. در جدول ۳، نمونه‌هایی از عبارات و تعابیر شرکت‌کنندگان آمده است:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۳: نمونه عبارات و تعابیر مادران شرکت کننده درخصوص ادراکشان از مشارکت پدر در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندانشان

عبارات و تعابیر	شرکت کننده
بهرتر است او را رها می کردند من نمی توانم هیچ کاری انجام دهم، زیرا هر روز بچه ها را به مدرسه می برم و آن ها را سرپرستی می کنم و هیچ راهی وجود ندارد که من به امور مربوط به خودم برسم.	۱
خیلی وقت بود که اوضاع خیلی بد شده بود، اما ما برای بچه ها کنار هم مانده بودیم.	۵
بعضی از ماه ها وضعیتم بهتر از بقیه ماه هاست، بنابراین ممکن است چند بار ملاقات بروم، گاهی اوقات اصلاً نمی آیم چون پول کافی ندارم.	۶
بله، من تا جایی که می توانم به ملاقات می روم. ولی واقعاً سخت است چون ماشین نداریم و من تمام وقتم صرف این می شود که چطور با پول کم تری به زندان برسم.	۸
نکته مهم این است که رسیدن به زندان هزینه زیادی دارد، اما ارزشش را دارد.	۳
من نمی توانم همه بچه ها را هر هفته بیاورم به ملاقات.	۶
بله، آن ها هر هفته با من می آیند، بنابراین هر هفته یک روز مدرسه را از دست می دهند. ولی من فکر می کنم آن ها به ملاقات با پدرشان نیاز دارند و باید او را ببینند.	۹
معلم و مدیر مدرسه خیلی دوست ندارند که پسر من مدرسه را به خاطر ملاقات پدرش از دست بدهد.	۷
نتوانستم خودم را راضی کنم که آن ها را ملاقات ببرم، آن ها هرگز من را نمی بخشند!	۱۱
فکر می کنم آن ها را بیاورم. من نمی توانم جلوی دیدن پدرشان را بگیرم. این همه چیز را بدتر می کند.	۱۰

در بررسی این پرسش پژوهش، پژوهشگر به دنبال یافتن علائم و نشانه هایی بود که به وسیله آن ها بتوان ادراک مادران از مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزش مدرسه ای فرزندانشان را تشخیص داد. تحلیل مصاحبه های مادران شرکت کننده به شناسایی ۸ مضمون فداکاری شخصی، از دست دادن مدرسه، آسیب پذیری کودکان، شهرت و آبرو، وحدت خانواده، دخالت پیش از زندان، اطلاع رسانی به مدرسه و درگیری و مشارکت پدر، ۱۶ زیرمضمون و همچنین ۵۲ نشانگر منجر شد. در مضمون فداکاری شخصی، ۲ زیرمضمون شناسایی شده است: پر کردن خلأ حضور پدر و تحمل فشار مالی و در مضمون ازدست

دادن مدرسه، ۲ زیرمضمون عدم رضایت اولیای مدرسه و اهمیت مدرسه، در مضمون آسیب‌پذیری کودکان، ۲ زیرمضمون ملاقات آسیب‌زا و روحیه شکننده؛ در مضمون شهرت و آبرو، ۲ زیرمضمون عدم تمایل به مطلع ساختن کودکان و عدم تمایل به ارتباط با مدرسه؛ در مضمون وحدت خانواده، ۲ زیرمضمون ضرورت تعامل با پدر و انسجام خانواده؛ در مضمون دخالت پیش از زندان، ۲ زیرمضمون حضور مؤثر پدر و حمایت پدرانه؛ در مضمون اطلاع‌رسانی به مدرسه، ۲ زیرمضمون ضرورت آگاهی مدرسه و مسائل عدم اطلاع مدرسه و در مضمون درگیری و مشارکت پدر، ۲ زیرمضمون ضرورت مشارکت پدر و عدم تمایل به مداخله پدر قرار گرفته‌اند. در ادامه و در جدول ۴، نشانگرها، زیرمضمون‌ها و مضمون‌ها که به موضوع مورد بررسی ارتباط دارد، آورده شده است.

جدول ۴: مضمون، زیرمضمون و نشانگرهای حاصل از کدگذاری
(پرسش دوم)

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
فداکاری شخصی	پر کردن خلأ حضور پدر	- بهتر است او را رها می‌کردند من نمی‌توانم هیچ کاری انجام دهم، زیرا هر روز بچه‌ها را به مدرسه می‌برم و آن‌ها را سرپرستی می‌کنم و هیچ راهی وجود ندارد که من به امور مربوط به خودم برسم. - خیلی وقت بود که اوضاع خیلی بد شده بود، اما ما برای بچه‌ها کنار هم مانده بودیم.
	تحمل فشار مالی	- بعضی از ماه‌ها وضعیتم بهتر از بقیه ماه‌هاست، بنابراین ممکن است چند بار ملاقات بروم، گاهی اوقات اصلاً نمی‌آیم چون پول کافی ندارم. - بله، من تا جایی که می‌توانم به ملاقات می‌روم. ولی واقعاً سخت است چون ماشین نداریم و من تمام وقتم صرف این می‌شود که چطور با پول کم‌تری به زندان برسم. - نکته مهم این است که رسیدن به زندان هزینه زیادی دارد، اما ارزشش را دارد. - من نمی‌توانم همه بچه‌ها را هر هفته بیاورم به ملاقات.

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
از دست دادن مدرسه	عدم رضایت اولیای مدرسه	- معلم و مدیر مدرسه خیلی دوست ندارند که پسر من مدرسه را به خاطر ملاقات پدرش از دست بدهد. - من به مدیر می گویم که بچه ها را از مدرسه می برم تا پدرشان را ملاقات کنند، اما رئیس مدرسه نگران حضور بچه ها در مدرسه است و همیشه هم همین را می گوید.
	اهمیت مدرسه	- بله، آن ها هر هفته با من می آیند، بنابراین هر هفته یک روز مدرسه را از دست می دهند. ولی من فکر می کنم آن ها به ملاقات با پدرشان نیاز دارند و باید او را ببینند. - من برای هر بار ملاقات باید آن ها را از مدرسه بردارم و آن ها چیزهایی را در این بین از دست می دهند که به ضررشان خواهد بود و من اصلاً از این کار راضی نیستم. - من دوست ندارم آن ها از مدرسه برای ملاقات بیرون بیایند. چرا باید مدرسه را از دست بدهند تا بیایند و او را ملاقات کنند؟ به هر حال این شرایط تقصیر اوست.
آسیب پذیری کودکان	ملاقات آسیب زا	- من تقریباً هر هفته به ملاقات می روم اگر چه دوست ندارم پسر من را با این کار تنها بگذارم. - بله، ما تا جایی که می توانیم به ملاقات می رویم اگر چه این کار خیلی سخته. - نتوانستم خودم را راضی کنم که آن ها را ملاقات ببرم، آن ها هرگز من را نمی بخشند! - من همین امروز آن ها را ملاقات بردم.
	روحیه شکننده	- باباش نمی خواد او بیاد و دوست نداره اونو توی زندان ببینه. او می خواهد بچه ام فکر کنه که باباش جایی داره کار می کنه. - نه، آن ها به اینجا نمی آیند و نمی دانند که او اینجا هست. من نمی خواهم آن ها به چنین جایی بیایند. - فکر می کنم آن ها را بیاورم. من نمی توانم جلوی دیدن پدرشان را بگیرم. این همه چیز را بدتر می کند. - تنها دلیلی که من و بچه ها به ملاقات می آییم خود بچه ها هستند و گرنه من برای او اینکار رو نمی کنم.

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
		- هر کاری از دستم بر بیاد انجام می‌دم. من هرگز بچه‌ها را عمداً نیاوردم.
شهرت، آبرو	عدم تمایل به مطلع ساختن کودکان	- باید به آن‌ها می‌گفتم که پدرشان در زندان است و برای مدت طولانی در زندان خواهد بود. - باباش نمی‌خواد که پسرش بیاد. او نمی‌خواهد پسرش او را در این وضعیت ببیند.
	عدم تمایل به ارتباط با مدرسه	- باید به مدرسه بروم و به آن‌ها بگویم و این واقعاً شرم‌آور بود. - راستشو بگویم، من آن را به تعویق انداختم چون نمی‌دانستم چه بگویم یا چطور بگویم. - دفعه بعد که برای ملاقات رفتم، به او گفتم که می‌خوام به مدرسه بگم و او دیوانه شد و گفت نکنه به کسی کار لعنتی من رو بگی. چرا مدرسه باید بداند. - می‌توانم ببینم که فکر می‌کنند ما چه تفاله‌هایی هستیم.
	ضرورت تعامل با پدر	- هر چند ارزشش را دارد چون آن‌ها او را می‌بینند و او می‌داند که به او فکر می‌کنند و می‌خواهند او را ببینند. او احساس می‌کند که مورد علاقه و مراقبت است. - هر چقدر فکر می‌کنم آن‌ها را نیاورم، من نمی‌توانم جلوی آن‌ها را بگیرم که پدرشان را ببینند. این کار فقط همه چیز را بدتر می‌کند. - این تنها دلیلی است که ما می‌آییم و من این کار را برای بچه‌ها انجام می‌دهم نه برای او.
وحدت خانواده	انسجام خانواده	- فکر می‌کنم این چیز خوبی است با توجه به اینکه برخی از بچه‌ها پدر ندارند و برخی مادر و پدرشان دیگر با هم نیستند. - من باید همه سعی‌ام را بکنم که خودمان را به عنوان یک خانواده کنار هم نگه دارم.
	حضور مؤثر پدر	- بله، او یک پدر تمام‌وقت برای آن‌ها بود. - بله، او پدر خوبی بود و من از او انتظار داشتم که همه چیز را در خانه انجام دهد. - او همیشه به مدرسه می‌رفت و اگر مشکلی بود با معلم‌ها صحبت می‌کرد.
دخالت پیش از زندان		

مضمون	زیر مضمون	نشانگر
	حمایت پدرانه	- او پدر آنها بود او تمام کارهایی را که پدران انجام می دهند انجام می داد ... ما قبلاً همه کارها را با هم به عنوان یک خانواده انجام می دادیم. - او کارهای زیادی برای آنها انجام می داد. - او بچه ها را به مدرسه می برد و به ملاقات معلم هایشان می رفت. - از پسر دربارۀ روزش و کارهایی که انجام می داد می پرسید و گاهی او را به مدرسه می برد و می آورد. - وقتی به زندان رفت به من کمک کرد تا انتخاب کنم که می خواهیم پسرمان را به کدام مدرسه بفرستیم.
اطلاع رسانی به مدرسه	ضرورت آگاهی مدرسه	- بله، رفتم و به محض این اتفاق به مدیر مدرسه گفتم. - بله، مدرسه می داند. من به آنها گفتم و فکر می کردم بهتر است قبل از اینکه از دیگران بشنود خودم بگویم. - بله، به آنها گفتم، اما از آنها خواستم که به بچه ها نگویند. من نمی خواهم بچه ها بدانند. - راستش را بگویم، من به مدرسه هنوز نگفتم چون نمی دانستم چه بگویم یا چطور بگویم. - به آنها گفتم، آنها باید بدانند. من فقط باید به مدرسه می رفتم و به آنها می گفتم که وضعیت چطور است، دروغ گفتن فایده ای ندارد و کمکی نمی کند.
	مسائل عدم اطلاع مدرسه	- اگر مدرسه نمی دانست، نصف کمکی را که دریافت کردم، دریافت نمی کردم. - به آنها گفتم چون اگر آنها نمی دانستند و بعداً متوجه می شدند من به مشکل می خوردم.
درگیری و مشارکت پدر	ضرورت مشارکت پدر	- دوست دارم او همچنان درگیر امور بچه ها باشد. - او دوست دارد از کارهایی که بچه ها انجام می دهند مطلع باشد و خیلی تلاش می کند تا این کار را انجام دهد و از چیزهایی که در مدرسه اتفاق می افتد باخبر شود.
	عدم تمایل به مداخلۀ پدر	- متأسفم. او قبل از اینکه وارد زندان شود هم هرگز برای آنها کاری نکرده است، بنابراین شک دارم که اینجا تغییر کند! فکر

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
		می‌کنم وقتی برای ملاقات می‌آیند چیزی برای صحبت کردن با آنها ندارد.
		- من این کار را نمی‌کنم، چون بچه‌ها نمی‌دانند که او اینجاست و نمی‌آیند و ملاقات نمی‌کنند، بنابراین به هر حال فایده‌ای زیادی هم نخواهد داشت.
		- فرض کنید، اگر کتاب مدرسه یا تکالیفی را که انجام می‌دادند با خودشان در زمان ملاقات می‌آوردند، می‌توانستند درمورد آن با او صحبت کنند. مسئله این است که او هرگز نمی‌پرسد؛ اما اگر آنها چیزی بیاورند او مجبور می‌شود درموردش با آنها صحبت کند.
		- وقتی بچه‌ها وارد زندان می‌شوند درمورد مدرسه صحبت نمی‌کنند. او همیشه می‌پرسد، اما آنها فقط می‌گویند «چیزی نیست» یا «اشکال ندارد» و او نمی‌داند چه چیزی باید از آنها پرسد.

مضامین اصلی شناسایی شده از تحلیل انجام شده در ارتباط با این پرسش عبارت‌اند از:

۱. فداکاری شخصی

فداکاری شخصی توسط مادران به دو صورت تعریف شده است: اولاً، فداکاری گسترده‌تر خانواده از نظر روابط؛ و ثانیاً، فداکاری‌های خاص. برای مثال فداکاری شخصی آنها به عنوان مادر / شریک زندگی / شریک سابق پدران زندانی.

۲. از دست دادن مدرسه

این مؤلفه درخصوص کودکان مطرح می‌شود که به‌طور منظم نیم روز یا یک روز از مدرسه را برای ملاقات با پدر خود غیبت می‌کنند. برخی از پاسخ‌های مادران به نگرانی‌های شخصی آنها درمورد رفاه و تحصیل فرزندانشان مربوط می‌شود و برخی دیگر به بازخورد دریافتی از مدرسه در هنگام اطلاع دادن به آنها مربوط می‌شود.

۳. آسیب‌پذیری کودکان

این کد نشان می‌دهد که آیا یک کودک مجاز است با پدر زندانی خود ملاقات کند یا خیر؟ روند بازدید از زندان به صورت کلی و تا حدودی روند بازدید کودکان از زندان تا

به امروز از طرف محققان مورد توجه قرار گرفته است (Codd, 2008: 258; Dixey & Woodall, 2012: 32; Ronay, 2011: 196). و این روند رو به رشد است. اهمیت ملاقات با زندانیان همچنان مورد توجه قرار دارد و اجماع عمومی بر این است که در اکثر موارد، بازدید از زندان به ویژه برای زندانیان و خانواده‌های آنها مفید است.

۴. شهرت و آبرو

این مؤلفه به عنوان شهرت و آبروی زندانی و خانواده‌اش در جامعه و مدرسه کودک تعریف شده است. در این رابطه به خجالت و شرم اشاره می‌شود.

۵. وحدت خانواده

این مؤلفه به عنوان نیاز مادر به نگه داشتن خانواده‌ها در کنار هم، علی‌رغم سایه حبس، به خاطر خانواده و به ویژه اغلب به خاطر فرزندان، تعریف می‌شود.

۶. دخالت پیش از زندان

این مؤلفه به بررسی نقش زندانیان در زندگی و تحصیل فرزندان خود قبل از حبس می‌پردازد. این امر برای به دست آوردن تصویری منسجم از ظرفیت مشارکت پدران زندانی در آموزش فرزندشان ضروری است.

۷. اطلاع‌رسانی به مدرسه

این کد به این صورت تعریف می‌شود که آیا مادران، مدارس را از زندانی شدن پدر و فرایند آن مطلع کرده‌اند. علاوه بر این، به آن می‌پردازد که آیا آنها احساس می‌کنند مهم است که مدرسه بداند.

۸. درگیری و مشارکت پدر

این مؤلفه به عنوان داده‌های ارائه شده توسط مادران در رابطه با اینکه آیا آنها از مشارکت مستقیم پدر زندانی در آموزش فرزندان خود استقبال می‌کنند یا خیر، تعریف می‌شود.

۳) ادراک اولیای مدرسه از مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزش

مدرسه‌ای فرزندان‌شان چگونه است؟

پس از انجام مصاحبه‌ها و تحلیل آنها، عبارات و تعبیری که معلمان در خصوص ادراک اولیای مدرسه از مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندان‌شان ارائه

کرده بودند استخراج شد. در جدول ۵، نمونه‌هایی از عبارات و تعابیر معلمان شرکت کننده آمده است:

جدول ۵: نمونه عبارات و تعابیر معلمان در خصوص ادراک اولیای مدرسه از مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندان

عبارات و تعابیر	شرکت کننده
اگر یکی از والدین بچه‌ها در زندان باشد، متأسفانه اغلب به ما گفته نمی‌شود، یا به طور تصادفی متوجه می‌شویم نه از طریق مسیرهای رسمی.	۱
اینکه به ما گفته شود که والدین کدام بچه‌ها در زندان هستند، فقط یک شانس است. ما همیشه به والدین می‌گوییم که صحبت درمورد هر نوع تغییر در شرایط شخصی کودک که ممکن است بر زندگی او در مدرسه تأثیر داشته باشد مهم است و باید مدرسه و معلم در جریان باشند و اطلاع دهند، اما گاهی اوقات آن‌ها این کار را می‌کنند و اغلب این اتفاق نمی‌افتد.	۵
با این حال، اغلب ما در پی اطلاعی از وضعیت بچه‌ها کار می‌کنیم، یا فقط با اطلاعات اندک جمع‌آوری شده از خود بچه‌ها یا والدین کار تربیتی خود را انجام می‌دهیم.	۶
هرگز، من زندانی بودن والدین را بسیار وحشتناک می‌دانم.	۸
هیچ کس به ما نمی‌گوید که شما از وضعیت بچه‌ها چیزی نپرسید.	۳
من احساس می‌کنم حق داریم بدانیم.	۶
نباید منتظر باشیم که خانواده‌ها به ما بگویند، بلکه باید سیستمی وجود داشته باشد که به طور خودکار ما از وضعیت بچه‌ها مطلع شویم.	۹
خانواده‌ها هرگز نمی‌خواهند ما بدانیم.	۷
ما می‌دانیم که چه زمانی آن‌ها خارج از شخصیت واقعی‌شان عمل می‌کنند و می‌توانیم از آن‌ها به خوبی حمایت کنیم.	۱۱
بله، ممکن است آن‌ها گوشه‌گیر باشند یا گریه کنند یا با دوستان خود درگیر شوند. بسیار حساس هستند و واقعاً روی کار خود متمرکز نیستند.	۴
او تمام لذت خود را از مدرسه از دست داد و به کودکی متفاوت تبدیل شد.	۱۰
رفتار این بچه، یک کابوس بود که با بازگشت پدرش بدتر می‌شد.	۱۲
ما نیازمند یک هماهنگ‌کننده خانه، مدرسه و محله هستیم که او از خانه بازدید کند.	۱۴

علامت و نشانه، موجودیتی است که وجود یا وقوع آن می‌تواند احتمال وقوع چیز دیگری را نشان دهد. در بررسی این پرسش پژوهش، پژوهشگر به دنبال یافتن علائم و نشانه‌هایی بود که به وسیله آن‌ها بتوان ادراک اولیای مدرسه از مشارکت پدران زندانی در فرایند آموزش مدرسه‌ای فرزندان‌شان را تشخیص داد. تحلیل مصاحبه‌های معلمان شرکت‌کننده به شناسایی چهار مضمون مدرسه غیرمطلع، تعاملات رفتاری دانش‌آموزان، افشاگری جامعه محلی و آموزش پرسنل مدرسه، ۹ زیرمضمون و همچنین ۲۹ نشانگر منجر شد. در مضمون مدرسه غیرمطلع، ۳ زیرمضمون شناسایی شده است: فقدان سیستم اطلاع‌رسانی رسمی، خوداظهاری دانش‌آموز/خانواده و پنهان‌کاری خانواده و در مضمون تعاملات رفتاری دانش‌آموزان، ۲ زیرمضمون رفتار پدرمآبانۀ دانش‌آموز و عدم کنترل هیجانات و در مضمون افشاگری جامعه محلی، ۲ زیرمضمون محدودیت‌های محلی و ضرورت مددکاری اجتماعی و در مضمون آموزش پرسنل مدرسه، ۲ زیرمضمون دریافت آموزش تخصصی و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های راهنما قرار گرفته‌اند. در ادامه و در جدول ۶، نشانگرها، زیرمضمون‌ها و مضمون‌ها که به موضوع مورد بررسی ارتباط دارد، آورده شده است.

جدول ۶: مضمون، زیرمضمون و نشانه‌های حاصل از کُگذاری (پرش سوم)

مضمون	زیرمضمون	نشانه‌گر
مدرسه غیرمطلع	فقدان سیستم اطلاع‌رسانی رسمی	- اگر یکی از والدین بچه‌ها در زندان باشد، متأسفانه اغلب به ما گفته نمی‌شود، یا به‌طور تصادفی متوجه می‌شویم نه از طریق مسیرهای رسمی. - اینکه به ما گفته شود که والدین کدام بچه‌ها در زندان هستند، فقط یک شانس است. ما همیشه به والدین می‌گوییم که صحبت درمورد هر نوع تغییر در شرایط شخصی کودک که ممکن است بر زندگی او در مدرسه تأثیر داشته باشد مهم است و باید مدرسه و معلم در جریان باشند اطلاع دهند، اما گاهی اوقات آن‌ها این کار را می‌کنند و اغلب این اتفاق نمی‌افتد. - نباید منتظر باشیم که خانواده‌ها به ما بگویند، بلکه باید سیستمی وجود داشته باشد که به‌طور خودکار ما از وضعیت بچه‌ها مطلع شویم. - من احساس می‌کنم حق داریم بدانیم. - این ۳ موردی است که من درمورد آن‌ها می‌دانم قطعاً در گذشته افراد دیگری نیز وجود داشته‌اند.
	خوداظهاری دانش‌آموز /خانواده	- با این حال، اغلب ما در بی‌اطلاعی از وضعیت بچه‌ها کار می‌کنیم، یا فقط با اطلاعات اندک جمع‌آوری‌شده از خود بچه‌ها یا والدین کار تربیتی خود را انجام می‌دهیم. - هیچ کس به ما نمی‌گوید که شما از وضعیت بچه‌ها چیزی نپرسید. - هرگز، من زندانی بودن والدین را بسیار وحشتناک می‌دانم.
	پنهان‌کاری خانواده	- خانواده‌ها هرگز نمی‌خواهند ما بدانیم. - شرط می‌بندم که احتمالاً بچه‌های دیگری هم وجود دارند که ما از آن‌ها اطلاعی نداریم، زیرا مادر یا خانواده آنقدر ترس دارند که به ما نمی‌گویند.
تعاملات رفتاری دانش‌آموزان	رفتار پدرمآبانه دانش‌آموز	- ما با پسر بزرگ‌تر مشکل زیادی داشتیم، چون پدرش ناگهان از زندان برگشت و رفتارش کاملاً از بین رفت. او پدرش شده بود، زمانی که پدرش در زندان بود. - ما می‌دانیم که چه زمانی آن‌ها خارج از شخصیت واقعی‌شان عمل

مضمون	زیرمضمون	نشانهگر
	عدم کنترل هیجانات	می کنند و می توانیم از آن ها به خوبی حمایت کنیم.
		- گاهی اوقات کودک به ما سرنخی می دهد، برای مثال: پدرم رفته است، یا اینکه مادرشان غمگین است، ممکن است رفتارهای متفاوتی از خود نشان دهند یا ممکن است روزهایی که قرار است ملاقات داشته باشند رفتارهای خاصی از خودشان نشان دهند. - بله، ممکن است آن ها گوشه گیر باشند یا گریه کنند یا با دوستان خود درگیر شوند. بسیار حساس هستند و واقعاً روی کار خود متمرکز نیستند. - او تمام لذت خود را از مدرسه از دست داد و به کودکی متفاوت تبدیل شد. - رفتار این بچه، یک کابوس بود که با بازگشت پدرش بدتر می شد.
افشاگری جامعه محلی	محدودیت های محلی	- من در محله ای زندگی می کنم که این بچه در آنجا زندگی می کند و به طور اتفاقی متوجه زندانی شدن پدرش شدم. - این یک جامعه نسبتاً کوچک است که در آن افراد با هم معاشرت می کنند و بنابراین این چیزی نیست که یک خانواده مایل به اعتراف به آن باشد.
	ضرورت مددکاری اجتماعی	- ما نیازمند یک هماهنگ کننده خانه، مدرسه و محله هستیم که او از خانه بازدید کند. - گاهی والدین به ویژه مادران تمایل دارند به مدرسه بیایند و صحبت کنند.
آموزش پرسنل مدرسه	دریافت آموزش تخصصی	- ما همیشه بسیار مشتاق هستیم که با افرادی صحبت کنیم که دانش تخصصی در تمام زمینه های مرتبط با نیازهای فرزندان ما دارند. این حوزه ای است که هیچ یک از ما در آن متخصص نیستیم ... نمی دانم آیا چیزی وجود دارد؟ من فکر می کنم آموزش ما در این زمینه ممکن است مفید باشد. - من مطمئن نیستم که کسی در مدرسه مهارت انجام این کار را داشته باشد، اما باید افرادی در مدرسه باشند که بتوانند این کار را انجام دهند. - ما هیچ آموزشی ندیده ایم، بنابراین واقعاً نمی دانیم چه بگوییم و چه

مضمون	زیرمضمون	نشانگر
		کار کنیم. - این یک نیاز مانند نیازهای آموزشی و معلولیت‌های ویژه یا یک مسئله بهداشتی است، اما خاموش و پنهان است. ما نمی‌توانیم آن را ببینیم، بنابراین ممکن است درمورد آن ندانیم و بنابراین نمی‌توانیم کمک کنیم. - ما متخصص نیستیم، اما می‌خواهیم تمام تلاش خود را برای کمک به این کودکان انجام دهیم. مطمئناً برای همین اینجا هستیم. - صحبت کردن درمورد این موضوع باعث شد ببینم که ما هیچ کار ساختاری انجام نمی‌دهیم و لازم است آموزش‌هایی در این زمینه دریافت کنیم.
	دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های راهنما	- من فکر می‌کنم دستورالعمل‌ها واقعاً مفید خواهند بود، بالاخص برای معلمان جدید. - با این حال، ما می‌خواهیم کمک کنیم اما ما همیشه آنقدر که باید برای کمک کردن مجهز نیستیم. - باید یک برنامه ویژه برای آن‌ها وجود داشته باشد.

مضامین اصلی شناسایی شده از تحلیل انجام‌شده در ارتباط با این پرسش عبارت‌اند از:

۱. مدرسه غیرمطلع

به‌عنوان عدم اطلاع مدارس از زندانی شدن پدر کودک تعریف شده است. در این خصوص هر یک از معلمان نشان دادند که هیچ گونه اطلاعی از تعداد فرزندان با پدر زندانی ندارند. آن‌ها احساس می‌کردند که داشتن این اطلاعات مهم است و باید به آن‌ها اطلاع داده می‌شد. با این حال، می‌توان استدلال کرد که این امر می‌تواند چالش‌هایی را برای مادران این کودکان نیز ایجاد کند، که ممکن است دوست نداشته باشند مدارس بدانند یا ممکن است در گفتن آن‌ها احساس ناراحتی کنند (Morgan et al., 2011: 201).

۲. تعاملات رفتاری دانش‌آموزان

این موضوع به‌عنوان رفتارهایی است که کودکان پس از زندانی شدن والدین از خود نشان می‌دهند. رفتار کودکان ممکن است در نتیجه تغییر قابل توجه در وضعیت پدرشان در

شرایط شخصی آن‌ها تغییر ایجاد کند. همچنین گفتنی است که این تغییر در برخی موارد می‌تواند مثبت باشد. معلمان مدارس نشان دادند که تغییر مشخص در رفتار، شناسایی زود هنگام این دسته از کودکان را تسهیل می‌کند.

۳. افشاگری جامعه محلی

این مؤلفه به عنوان افراد اطراف خانواده تعریف می‌شود. در واقع آن‌هایی که در مدرسه و منطقه و محلی هستند که ممکن است از خانواده و شرایط آن‌ها آگاهی داشته باشند. این اصطلاح به بافت اجتماعی گسترده‌تر خانواده اشاره دارد. غالباً آن‌ها در مورد خانواده و مادر و کودک قضاوت‌هایی را انجام می‌دهند. گرچه در برخی از موارد این جامعه و پذیرش و پشتیبانی آن تأثیر مثبت قابل توجهی بر خانواده دارد.

۴. آموزش پرسنل مدرسه

این مؤلفه را می‌توان به عنوان توسعه شخصی معلمان و حمایت عملی از تمام مدارس که با کودکان و خانواده‌های زندانیان درگیرند تعریف کرد. آموزش معلمان بخش اساسی از نقش آن‌ها در کار با فرزندان زندانیان و تسهیل مشارکت پدر در آموزش است. توسعه حرفه‌ای مستمر در نقش همه معلمان تأثیر اساسی دارد.

نتیجه

یافته‌های حاصل از تحلیل مصاحبه‌های انجام شده در این مطالعه تبیین کرد که پدران زندانی چشم‌انداز بسیار روشنی برای مشارکت خود در آموزش فرزندانشان در دوران حبس متصور بودند. اگرچه دید آن‌ها روشن بود، اما در جریان مصاحبه‌ها کم‌تر به سطح سواد یا مهارت‌های تحصیلی خودشان اشاره داشتند. با این حال، این مقولات توسط مادران به عنوان یک موضوع بالقوه در نحوه تعامل و ارتباط پدران با فرزندانشان مورد توجه قرار گرفت. توجه به این نکته حائز اهمیت است که سطح سواد متفاوت در میان زندانیان موضوعی است که به صورت بالقوه می‌تواند بر ماهیت مشارکت پدران زندانی در فرایندهای آموزشی فرزندانشان تأثیر بگذارد. با نظر به اینکه پدران زندانی، علی‌رغم محدودیت‌ها، تمایل به مشارکت در آموزش فرزندانشان دارند. این امر می‌تواند از منظر نظریه یادگیری اجتماعی

(تقلید)، الگوی مثبتی برای فرزندان ایجاد کند و آن‌ها را به ادامه تحصیل و یادگیری ترغیب کند. در همین راستا برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای پدران زندانی می‌تواند به بهبود الگوهای رفتاری آن‌ها کمک کند که به نوبه خود بر رفتار و نگرش فرزندان‌شان تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

در مصاحبه‌ها مادران تأکید کردند که پدران به‌ندرت درک روشنی از ساختار زندگی مدرسه یا محتوای برنامه درسی دارند. شیوه‌های آموزشی کنونی در زندان‌ها به دلیل محدودیت‌های زمانی و مالی که بر آن‌ها اعمال می‌شود، دامنه نسبتاً محدودی شامل آموزش‌های سوادآموزی و دوره‌های رسمی تحصیلی دارد. این در حالی است که پدران زندانی به طیف وسیعی از دوره‌ها از جمله دوره‌هایی برای توسعه نقش خود به عنوان پدر و تقویت هویت خود با این نقش نیاز دارند. برای اینکه پدران زندانی در تعلیم و تربیت فرزند خود شرکت کنند، لازم است سیاست آموزشی در داخل زندان، بر برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای پدران درخصوص نحوه مشارکتشان در آموزش فرزندان متمرکز شود. داده‌های جمع‌آوری شده در این مطالعه موانعی را برای هویت‌بخشی به نقش پدری شناسایی کردند. یافته‌ها نشان داد که نقش خانواده در شکل‌گیری هویت والدینی پدر زندانی بسیار مهم است و براساس نظریه معاشرت ترجیحی (هم‌نشینی افتراقی) اهمیت ارتباط مستمر پدران زندانی با خانواده و مدرسه باید مورد تأکید قرار گیرد تا با ایجاد فرصت‌هایی برای این ارتباط بتواند بر نگرش و رفتار پدر زندانی تأثیر مثبت بگذارد و به تقویت نقش پدری و بهبود وضعیت تحصیلی فرزندان کمک کند. با توجه به این موضوع، می‌توان استدلال کرد که هم نظام عدالت کیفری و هم نظام آموزشی باید حمایت خود را برای ایجاد هویت پدری جدید برای پدران زندانی افزایش دهند و به دنبال تصویب قوانین، مقررات و دستورالعمل‌هایی باشند که بتواند این مهم را به سرانجام برساند.

در مصاحبه با معلمان مشخص شد که مدارس فاقد درک اساسی از نیازهای کودکان دارای پدر زندانی هستند. آن‌ها این موضوع را مورد تأکید قرار دادند که مدارس از وضعیت فرزندان زندانیان، آگاهی کامل ندارند. مصاحبه‌ها در این پژوهش با سه گروه از ذینفعان، تبیین کرد که مدارس در سطوح بسیار متفاوتی از نظر توجه به رشد این گروه از

کودکان قرار دارند. بررسی‌ها همچنین نشان داد که تعداد کمی از مدارس در موقعیت مناسبی برای حمایت از این گروه از کودکان، مادران و خانواده آن‌ها قرار دارند. با وجود این، تعدادی از آن‌ها نمونه‌های مثبتی از عملکرد مناسب را نشان دادند. از جمله این موارد می‌توان به برقراری ارتباط مستقیم با پدر زندانی، درک ضرورت غیبت کودک از مدرسه برای ملاقات با پدرش و ایجاد فرصت‌هایی برای جبران عقب‌ماندگی تحصیلی ناشی از این غیبت‌ها اشاره کرد. از دیدگاه نظریه واکنش اجتماعی (برچسب‌زنی)، عدم آگاهی مدارس از وضعیت فرزندان زندانیان می‌تواند به برچسب‌زنی ناخواسته و رفتار نامناسب با این کودکان منجر شود. همچنین، برچسب «زندانی» می‌تواند بر هویت پدری تأثیر منفی بگذارد. لذا، ایجاد سیاست‌های حمایتی در نظام عدالت کیفری و نظام آموزشی و آگاهی‌بخشی به مدارس برای تقویت هویت پدری می‌تواند به کاهش اثرات منفی این برچسب‌ها کمک کند.

براساس نتایج حاصل از پژوهش پیشنهاد می‌شود اگر چه در شرایط کنونی مواد ۱۷۶ و ۱۷۷ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، امکان ملاقات فرزندان با پدران زندانی را با حضور مأمور مراقب و نیز ماده ۱۷۹ آیین‌نامه مذکور ملاقات بدون حضور مأمور مراقب را فراهم کرده است. با این حال ضرورت دارد ساختار و سازماندهی ملاقات‌ها در زندان بین پدران زندانی و فرزندان‌شان به گونه‌ای تعبیه شود که امکان برقراری ارتباط مطلوب و مناسب در یک محیط امن و آرام و در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر و مدت نسبتاً طولانی‌تر را برای آن‌ها فراهم سازد. این مهم انجام نخواهد شد مگر اینکه سیستم عدالت کیفری جایگاهی برای این امر مهم قائل شود و آن را در چارچوب اصل شخصی بودن مجازات‌ها تسهیل کند. سیستم عدالت کیفری در تعامل با سیستم آموزشی باید حمایت خود را برای ایجاد هویت پدری جدید برای پدران زندانی افزایش دهد و به دنبال تصویب قوانین، مقررات و دستورالعمل‌هایی باشد که بتواند این مهم را به سرانجام برساند. لازم است بازنگری لازم هم در سیستم عدالت کیفری و هم در اهداف، ساختار و فرایندهای نظام آموزش و پرورش کشور انجام شود تا فرصتی برای بهره‌مندی این گروه از دانش‌آموزان از حقوق اولیه خود فراهم شود. آموزش‌های لازم برای ارتقای سطح

دانش و مهارت معلمان در تعامل با این گروه از دانش آموزان ارائه شود و برای فرصت‌های از دست رفت آموزش و حضور در کلاس آن‌ها در هنگام انجام ملاقات‌ها آموزش‌های اضافی و جایگزین در نظر گرفته شود و امکان خروج از مدرسه برای انجام ملاقات با پدر برایشان تسهیل شود و در نهایت شرایط ایمنی در مدارس فراهم شود تا مادران و سایر اعضای خانواده دانش آموز دارای پدر زندانی بتواند اطلاعات مربوط به این مهم را در اختیار مدرسه قرار دهند و از حمایت‌های مدرسه در ابعاد مختلف برخوردار شوند.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ابراهیمی، مجید، زینب میرزایی و سمیه ابراهیمی (۱۳۹۸)، **تحولات مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران**، پنجمین همایش ملی حقوق.
- ادیب، یوسف و فاطمه مردان اربط (۱۳۹۶)، «تجارب والدین از مشارکت در امر تحصیل فرزندان: یک تحقیق کیفی»، **مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز**، شماره ۱.
- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۲۰ رئیس قوه قضائیه.
- باقی، عمادالدین و میرطاهر موسوی (۱۳۹۶)، «پیامدهای زندانی شدن بر خانواده زندانیان»، **فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران**، دوره ۶، شماره ۳.
- سلیمی، سمانه و زینب حسین‌آبادی (۱۳۹۹)، «بررسی نقش میانجی بهسازی مدرسه در رابطه بین مشارکت اولیا با کیفیت آموزشی»، **نوآوری‌های مدیریت آموزشی**، دوره ۱۶ (۱).
- شاهپوری، تهمنه، محمدمتین یارسا و نبی‌اله غلامی (۱۳۹۹)، «قربانی‌شناسی قضائی بر مبنای نظریه برچسب‌زنی و راهکارهای پیشگیری از آن»، **پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۱۹ (۴۲).
- غیوری‌نیا، پیمان، سیدعلی میرا براهیمی و محمدعلی قربانی (۱۴۰۱)، «تحلیل جرم‌شناختی عوامل بزهکاری اطفال و نوجوانان شهرستان ارومیه در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۴»، **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۱۰ (۲۰).
- قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳/۴/۳۰ مجلس شورای ملی.
- قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹/۲/۲۳ مجلس شورای اسلامی.
- قدرتی، محمدحسن (۱۳۸۸)، «قاعده وزر (اصل شخصی بودن مجازات)»، **فصلنامه فروغ وحدت**، شماره ۱۷.
- گوهری، زهره، لاله جمشیدی و علی اکبر امین‌بیدختی (۱۳۹۳)، «شناسایی موانع مشارکت در امور مدارس مقطع ابتدایی شهر سمنان»، **دو فصلنامه مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی**، شماره ۷.
- معروفی، یحیی (۱۳۸۹)، «پیامدهای زندانی شدن والدین بر عملکرد تحصیلی فرزندان»، **فصلنامه خانواده‌پژوهی**، شماره ۲۴.
- ملکوتی، نصیر و فرید محسنی (۱۴۰۲)، «پیشگیری جامعه‌مدار از بزهکاری اطفال و نوجوانان در محیط‌های آموزشی مجازی (با تأکید بر یافته‌های جرم‌شناسی)»، **دیدگاه‌های حقوق قضائی**، شماره ۱۰۲.

(ب) منابع انگلیسی

- Action for Prisoners Families (2007), "Research on Prisoners' Families", <http://www.prisonersfamilies.org>.
- Barnardo's (2012a), "Under-fives and their families affected by imprisonment: A handbook for Sure Start Children's Centres", Essex: Barnardo's.
- Barnardo's (2012b), "Are we nearly there yet, Dad? Supporting young dads' journeys through fatherhood", Essex: Barnardo's.
- Carpenter, B. (2002), "Inside the portrait of a family: the importance of fatherhood", **Early Child Development and Care**, No.172 (2).
- Codd, H. (2008), "In the shadow of prison: Families, imprisonment and Criminal Justice", Cullompton: Willan.
- Desforjes, C., & A. Abouchaar (2003), "The impact of parental involvement, paternal support and family education on pupil achievement and adjustment: a review of literature", **Brief**, No. 433. London. DfES Publications.
- Dixey, R., & Woodall, J. (2011). "The significance of 'the visit' in an English category – B prison: views from prisoners, prisoners' families and prison staff." **Community, Work & Family**, no.15(1).
- Feiler, A. (2010), "Engaging 'Hard to Reach' Parents: Teacher-Parent Collaboration to Promote Children's Learning". London: Wiley-Blackwell.
- Goodall, J., & J. Vorhaus (2011), **Review of Best Practice in Parental Engagement**, London: Institute of Education.
- Harris, A., & J. Goodall (2008), "Do Parents Know they Matter? Engaging All Parents in Learning", **Educational Research**, no.50 (3).
- Hornby, G., & R. Lafaele (2011), "Barriers to Parental Involvement in Education: and explanatory model", **Educational Review**, no.63 (1).
- Morgan, J., Leeson, C., Carter Dillon, R., Needham, M. and Wrigman, A.L. (2011), **Support Provision in Schools for Children with a Father in Prison: A Case Study of One Local Authority in the UK**. Plymouth: University of Plymouth and Choices Consultancy Service.
- O'Keeffe, H. (2013), "The Invisible Child: Perspectives of Headteachers about the role of primary schools in working with the children of male prisoners", **Prison Service Journal**, no.209.
- O'Keeffe, H. (2015), **Fathers in Prison, Children in School: The Challenge of Participation**, UCL Institute of Education.
- Ronay, K. (2011). "The visit: observing children's experience of visiting a relative in prison", **Infant Observation**, no.14(2).
- Scott, D., & H. Codd (2010), **Controversial Issues in Prisons**, Berkshire: McGraw-Hill Education.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی